



روسی آبی - رخشان بنی اعتماد - ۱۳۷۴

رسول رحمانی (عزت‌الله انتظامی)؛ رسول رحمانی امروز مرد...
اینکه اینجا ایستاده... می‌خواد با نویر کردانی...
دختر غربتی پاپتی بی‌کس‌وکار... بمونه تا بمیره...
خوشبختی اون چیزی نیست که هرکسی از بیرون ببینه ...خوشبختی تو دل آدمه...
دل که خوش باشه خوشبختی.

دغدغه‌های طبیبانه

۲ سال بعد از کرونا



عبدالرضاناصرمقدسی

متخصص مغزو اعصاب

بیش از دو سال از پاندمی کرونا گذشت و در روز ۱۲ خرداد پس از گذشت ۸۳۰ روز، روزی بدون فوتی را پشت سر گذاشتیم. البته این به آن معنا نیست که پاندمی به پایان رسیده است؛ اما می‌توان گفت که بعد از دو سال شناخت بیشتری نسبت به همه‌های ویروسی داریم و فهمیده‌ایم که علم چقدر می‌تواند به ما در جلوگیری از مرگ‌ومیر و ابتلا باری برساند. فهمیده‌ایم که تنها راه مقابله با ویروس علم است و باید تمام و کمال به یافته‌های علمی اعتماد کرده و کار را به کاردان بسپاریم؛ اما باید گفت این جملات در عین بدیهی بودن، چندان در جامعه ما صدق نمی‌کند. اتفاقا با وجود همه آمارهای وحشتناک کشته‌شدگان در طول پاندمی کرونا در ایران، هنوز که هنوز است تفکر علمی جایگاهی در جامعه ما حتی برای درمان نیز ندارد و می‌توانیم هر روز نعتها در سطح جامعه، بلکه در منابع رسمی و دولتی نیز عنوان‌هایی مانند طب سنتی، طب اسلامی، داروهای گیاهی و... را بشنویم که نتیجه‌ای جز آسیب بیداران به دنبال نداشته است. هنوز که هنوز است بازار کسالتی که در بهترین حالت از روی ناآگاهی دست به ترویج چنین موضوعاتی می‌زنند، داغ است و انگار نه انگار که ما در حال عبور از پاندمی بزرگی هستیم که به تمام دنیا به جز ما، تاکید دوباره بر اهمیت علم و تفکر علمی در تصمیم‌گیری‌ها کرده است. کافی است به حجم مقالات چاپ‌شده در دو سال اخیر توجه کنیم و ببینیم در همین دو سال چقدر علم پزشکی و سایر علوم تابعه رشد چشمگیری داشته است. در کنار آن ببینیم که چگونه تمام دنیا از ظرفیت‌های فضای مجازی در این دو سال استفاده کرده و روزبه‌روز در پی ارتقای آن هستند و ما نیز همگام با قهقرا رفتن در نداشتن دید علمی به موضوعات، صحبت از محدودیت و صیانت از فضای مجازی می‌کنیم. متأسفانه مدت‌هاست از قافله پیشرفت جدا مانده‌ایم و در سراسیابی قرار گرفته‌ایم. به‌عنوان کسی که جزئی کوچک از کادر درمان این مملکت، دو سال کردار برای من در مملکت‌م معادل بود با از دست دادن بسیاری از همکاران، مهاجرت عظیم پزشکان و پرستاران و رشد قارچ‌وار تفکرات غیرعلمی، به اینها اضافه کنید همه‌های روزافزون به کادر درمانی را که جان بر کف در برابر سیل کرونا ایستادند و دست روی دست هم نگذاشتند که این سیل همه ما را با خود ببرد. من این یادداشت‌ها را تقریبا با شروع کرونا آغاز کردم. هدفم نیز نوعی واقع‌نگاری این ایام بسیار مهم بود؛ اما حالا که به آنها نگاه می‌کنم، می‌بینم هر فته در مورد مشکل تازه‌ای نوشته‌ام. انگار هیچ چیز خوبی برای نوشتن وجود نداشته است. گاه سیر اتفاقات بد در جامعه ما آن‌قدر زیاد می‌شد که نمی‌دانستم باید درباره کدامیک بنویسم. بسیار متأسفم که در جامعه ما باید دید کدام واقعه بدتر است تا در مورد آن نوشت. این درد را به چه کسی بگویم؟ آیا گوش شنوایی هست؟



رحلت عالم گرانقدر، مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین

جناب آقای سید محمود دعایی، عضو هیات امنای بنیاد

امیرکمیر و موزه آثار اهدایی مرحوم دکتر حبیبی موجب تالم

و تائر گردید. تلاش کم‌نظیر ایشان در بنیاد و نیز مدیریت

مؤسسه مطبوعاتی اطلاعات به یادماندنی است.

درگذشت این شخصیتِ خدوم و مردمی را به جامعه فرهنگی و رسانه‌ای کشور و به خانواده محترم ایشان تسلیت عرض کرده و از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و غفران الهی و برای بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

ایکوم ایران

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
● صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ ● تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ ●
نمابر: ۸۸۹۲۵۶۶۷ ●
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ ●
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ ●
چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۱ ● ۷ ذی‌القعدة ۱۴۴۳ ● ۷ ژوئن ۲۰۲۲ ● سال نوزدهم ● شماره ۴۲۹۶ ● ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ ● اذان مغرب ۲۰:۳۹
اذان صبح فردا ۴:۰۲ ● طلوع آفتاب ۵:۴۸

امین عارف‌نیا: زمستان ۱۳۹۳ شورای اجرائی سازمان اسناد و کتابخانه ملی به پیشنهاد

دکتر سیدرضا صالحی‌امیری مصوب کرد که آیین نگوداشت حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمود دعایی به پاس مجاهدت‌هایش در سالیان پیش از انقلاب اسلامی، خدمتش به جمهوری اسلامی و یک عمر خدمت صادقانه به فرهنگ و هنر ایران در کتابخانه ملی برگزار شود. اخذ رضایت ایشان برای برگزاری مراسم (که به افتادگی و نام‌گزینی شهره بود) حکایتی بلند دارد، اما بالاخره در دیدار نوروز ۱۳۹۴ به خواشش ما تن داد و

تمهید مقدمات آغاز شد. مسئولیت برگزاری مراسم به من واگذار شد، ستادی تشکیل دادیم و ۱۷ اردیبهشت را برای برگزاری مراسم مصوب کردیم. محمود نادری دوست عزیزم و داماد آقای دعایی از اولین روزهای اردیبهشت کارش را تعطیل کرد و برای کمک به ما پیوست. اتاق کار من محل ایده‌پردازی و برنامه‌ریزی، هماهنگی و پیگیری بود. فهرست مدعوین و شخصیت‌ها آن‌قدر گسترده بود که مسئولیت تشریفات را احمد دانیالی که سالیان طولانی مسئول تشریفات ریاست‌جمهوری بود، عهده‌دار شد. برای انتخاب نام و طراحی پوستر، جلسات مکرری برگزار و عناوین متعددی پیشنهاد شد؛ همه عناوین خوب بود، اما هیچ‌کدام جامعیت نداشت. با دوست گرانقدرم سهیل محمودی تماس گرفتم، طرح مسئله کردم و مشورت خواستم، آقا سهیل فرصت خواست تا فکر کند. وقت تنگ بود، پوستر و کارت دعوت باید چاپ

و ارسال می‌شد، اما آیینی که برای گرامیداشت یکی از کم‌نظیرترین چهره‌های سیاسی و فرهنگی کشور در حال برگزاری بود، نمی‌توانست هر عنوانی داشته باشد.

از بی‌وفندش با امام و انسش با رهبری و بزرگان انقلاب و نظام گرفته تا محبوبیتش در میان آحاد جامعه، به‌خصوص اصحاب فرهنگ و هنر تا لطافت‌های شخصیتی

زیر پوست شهر

ضرورت تشکیل کمیته بین‌المللی مقابله با گردوغبار

حسین معافی: در روزهای گذشته شاهد افزایش گردوخاک و آلودگی هوا در برخی از استان‌های کشور بودیم که شدت آلودگیی به علت ریزگردها باعث تعطیلی خیلی از مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و کارخانه‌ها در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه سوم و چهارم خرداد در استان‌های غربی، جنوبی و مرکزی کشور ایران شد. پدیده گردوغبار رودیادی طبیعی است و در بخش‌هایی از جهان که دارای مناطق خشک و بیابانی وسیع هستند، ایجاد می‌شود. وجود بیابان‌های وسیع در کشور عربستان، عراق، سوریه و ایران نمونه‌هایی از این مناطق هستند. ذرات درشت گردوغبار حادثگر می‌توانند به داخل بینی، دهان و حلق راه پیدا کنند، اما ذرات ریز می‌توانند به اعماق بیشتر و نواحی حساس مجرای تنفسی و ریه نفوذ کنند. بیماران قلبی، کودکان، سال‌خوردگان و افراد مبتلا به بیماری‌های تنفسی مانند آسم، برونشیت و آمفیز بیشتر در معرض خطر ریزگردها قرار دارند.

سامانه پایش کیفی هوای کشور شاخص آلودگیی در برخی از شهرها را بسیار ناسالم و خطرناک، یعنی رنگ بنفش و قهوه‌ای معرفی کرده است. در روز چهارم خرداد ۱۴۰۱ شاخص آلودگیی در بیشتر شهرهای استان‌های خوزستان،

پوشهر، کرمانشاه، اردود و سردشت حدود AQI 500 بود که این شاخص، خطرات جدی برای سلامت همه افراد و بیانگر جدی برای سلامت می‌باشد.
این روزها صحبت از تورم بالای ۷۰درصدی ترکیه است و طبق آخرین آمار ارائه‌شده نرخ تورم در ترکیه طی ماه گذشته میلادی به ۷۳٫۵ درصد رسید که بالاترین رقم از سال ۱۹۹۸ است. افزایش قیمت‌ها در ماه می نسبت به ماه قبل آن، آوریل، نیز نزدیک سه درصد بوده است.
بیشترین رشد قیمت‌ها مربوط به بخش حمل‌ونقل و همچنین مواد غذایی بوده که به ترتیب ۱۰٫۸ درصد و ۹۲ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته است.
در مجموع لیر بیش از ۶۰ درصد ارزش خود را از دست داده و قیمت انرژی‌ها نیز سبب تورم در بین مردم شده است.
از سوی دیگر ایرانی‌ها حضور پرشوری در شهرهای ترکیه داشته‌اند به طوری که اکثر هتل‌های وان در این چند روز تعطیلات پر شده بودند.

چه خبر

وان در تصرف ایرانی‌ها

این روزها صحبت از تورم بالای ۷۰درصدی ترکیه است و طبق آخرین آمار ارائه‌شده نرخ تورم در ترکیه طی ماه گذشته میلادی به ۷۳٫۵ درصد رسید که بالاترین رقم از سال ۱۹۹۸ است. افزایش قیمت‌ها در ماه می نسبت به ماه قبل آن، آوریل، نیز نزدیک سه درصد بوده است.
بیشترین رشد قیمت‌ها مربوط به بخش حمل‌ونقل و همچنین مواد غذایی بوده که به ترتیب ۱۰٫۸ درصد و ۹۲ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته است.
در مجموع لیر بیش از ۶۰ درصد ارزش خود را از دست داده و قیمت انرژی‌ها نیز سبب تورم در بین مردم شده است.
از سوی دیگر ایرانی‌ها حضور پرشوری در شهرهای ترکیه داشته‌اند به طوری که اکثر هتل‌های وان در این چند روز تعطیلات پر شده بودند.



● سالانه میلیون‌ها تن پلاستیک بدون اعمال هیچ‌گونه پروسه بازیافتی با مصرف هزینه‌های بسیار کلان راهی مراکز دفن زباله می‌شوند.
عکس: علی آذر/باشگاه خبرنگاران جوان

یادداشت

رود ولگا، مادر روسیه



بهرام‌امیراحمدیان

هر رودخانه‌ای از جایی سرچشمه می‌گیرد، اما هر سرچشمه‌ای به رودخانه بزرگی نمی‌انجامد. در این دنیا کمتر رازی است که چون راز تولد، یعنی آن لحظه دلپذیری که زندگی از هیچ پدید می‌آید، انسان را مجذوب خود کند و چنین است زاده‌شدن یک رودخانه از جوشش یک چشمه. روس‌ها چشمه را «کلید» می‌نامند؛ زیرا چشمه‌ها، کلید رودخانه‌ها و جویبار بخ‌زده کوچکی است که ولگا از آن آغاز می‌شود و در جنگل‌های والدای از دل خاک بیرون می‌جهد. از میان برگ‌های مرده‌ای که او را قنداق پیچ کرده‌اند، زمزمه‌کنان می‌گذرد و شاخه‌های خم‌شده درختان از گهواره‌اش حفاظت می‌کنند. این جویبار کوچک با جریان آهسته اما مطمئن از میان بوته‌زارها به بیرون ره می‌گشاید و در اینجا شاهراهی عظیم به طول سه‌هزارو ۶۹۰ کیلومتر از اعماق قرون سر برمی‌آورد. این رودخانه پرتوان ولگا نام دارد. در زمان‌های قدیم، شهرهای ولگا به نحوی تقسیم شده بود که شهرهای دارای نام مذکر در ساحل سمت راست و شهرهایی که نام مؤنث داشتند در سمت چپ رودخانه بودند. در سمت راست شهرهایی مانند یاروسلاو، نیژنی نوکورو، ساراتف و سیمبری‌سک قرار داشتند و در سمت چپ کسرتوما، کازان، سامارا و آستراخان. کمتر شهری در روسیه به اندازه این شهرها مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته و بدین حد آسیب دیده است؛ اما این شهرها، با وجود بدرفتاری تاریخ، بسیاری از نمونه‌های منحصربه‌فرد معماری قدیم روسیه را در خود حفظ کرده‌اند. آبی می‌توان نقش ولگا را در سرنوشت دولت روسیه تأثیرگذار دانست؟ رودخانه ولگا در ذهن هریک از مردم روسیه نماد این کشور است و جزء لاینفک تاریخ غنی و فرهنگ بکر روسیه محسوب می‌شود. ولگا به‌خاطر ترانه‌هایی درباره «استپان رازین»، شکوایتیه «بولرک در ولگا» و لاولان (سفر سوم از خسته تورات موسی(ع)) و «ولگا در کنار پلوس» برای مردم روسیه همواره آشناست. ما نبرد قهرمانان جنگ کبیر مینهی را در کنار ولگا به خاطر داریم. بسیار دشوار است که نقشی را که ولگا از گذشته تا امروز در روسیه ایفا کرده، ارزیابی کنیم. طبق گفته مورخ معروف روسی قرن ۱۹، کلوجوسکی، «انسان روسی همیشه با رودخانه همانند دو جان در یک قالب بوده است و همیشه رودخانه خود را دوست داشته است». سیل در روستاها و شهرهای ساحلی امری طبیعی به شمار می‌آید. تابستان برخلاف دیگر ماه‌های سال ولگا بسیار کم‌کم می‌شود؛ برای مثال در سفرنامه مشهور ابتدای قرن ۲۰ چنین آمده است: کشتریانی از «هرینسکا» تا «تورا» (Tevera) به‌طورکامل قطع شده است… در بعضی از مناطق به‌طور پیاده از ولگا رد می‌شوند. هم‌اکنون نمای رودخانه (زیر تور) کاملاً عوض شده است. روی ولگا و کاما آبشارهایی جاری شده‌اند که روی آنها ۱۱ نیروگاه هسته‌ای برپا آبی ساخته شده است. این نیروگاه‌ها با نیروی تولید ۱۳/۵ میلیون کیلووات در حال کار هستند (۳۰ درصد از نیروی نیروگاه‌های برق کل روسیه). در سال‌های ۱۹۴۸-۱۹۵۲ ولگا به دن متصل شد و به این ترتیب رود ولگا به آب‌های آزاد جنوب راه یافت. ولگا از زمان بسیار قدیم به دریاهای شمال متصل شده بود. در ابتدای قرن ۱۸ سیستم آبی ارتفاعات ولگا-راه آبی ولگا تا دریای بالتیک- ساخته شد. در سال ۱۸۱۰ ساخت سیستم (مارنسکی-مسیر آبی که ۳۹ درچه جویب را دربر گرفته و حوضه ولگا را به نوا پیوند می‌دهد- به پایان رسید. در سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۶۰ در مکانی که «مارنسکی» ساخته شده، مسیر آبی ولگا-بالتیک به طول هزارو صد کیلومتر احداث شد. به این ترتیب ولگا که از طریق مسیرهای تنگناکنی با شاخه‌های رودخانه خود و دیگر رودخانه‌ها مرتبط است، به محور اصلی اتصال سیستم‌های عمیق آبی بخش اروپایی روسیه تبدیل شد. آرزوی پطر اول در ایجاد راه‌های آبی در سراسر کشور و مرتبط‌کردن دریای شمال و جنوب از طریق آنها محقق شد.

در شرایطی که قسمت‌های مهم قلمرو روسیه دور از دریا واقع شده‌اند، اهمیت زیادی به رودخانه‌ها داده می‌شود. آنها قلمرو روسیه را به‌طور عمده با ویژگی‌های نصف‌النهاری مرتبط می‌کنند؛ تنها یکی از رودهای بزرگ روسیه، آمور در جهت عرض جغرافیایی جریان دارد. رودها به گسترش تجارت داخلی کمک می‌کنند. تصادفی نیست که بزرگ‌ترین بازار تجاری تمام روسیه در نیژنی نوگراد قرار دارد که از موقعیت مطلوبی در قسمت میانی ولگا بر‌خوردار است. رودها نقش مهمی در توسعه قلمرو کشور ایفا می‌کنند که درباره آن به‌طور جزئی در پایین توضیح داده خواهد شد. رودها غالباً در نقش دایه، سرچشمه آذوقه هستند؛ «ماهی، خاویار و دیگر تولیدات» که در شرایط ناپایدار کشاورزی که از ویژگی‌های آب و هوایی روسیه است، اهمیت ویژه‌ای دارند. در کل سخت است که بتوان اهمیت رودها را برآورد کرد. این چنین، پتر کبیر با اقدام به ساخت نیروی دریایی، دستور داد تا برای آن ملوانان و افسرهای دریایی از میان ساکنان سواحل رودخانه‌ها گردهم آورند، با این پندار که علوم دریایی درست برای آنها بیش از هرکس دیگری مناسب و جذاب است؛ برای مثال یکی از مشهورترین دریاداران روسی، آدمیرال اف. اوشاکوف، یکی از اهالی روستای رودخانه‌ای یورناکوف بود که در نزدیک شهر ییبنسک واقع شده بود. بی‌شک، ولگا نقش ویژه‌ای در روسیه بازی کرده و می‌کند؛ تصادفی نیست که در بین مردم نام تحبیبی و محترم «ولگا-ماتوشکا» را پیدا کرده است. با توجه به اهمیتی که نیل برای تمدن مصر باستان داشت، روزانوف آن را «نیل روسی» نامیده است. روزانوف نوشته: «من علاقه‌مندم که ولگای خود را «نیل روسی» بنامیم. اهمیت نیل در اهمیت جغرافیایی و فیزیکی آن به چشم نمی‌خورد، بلکه در چیز دیگری است که بسیار مهم‌تر است که ساکنان سواحل آن چه ارزشی را برای آن قائل بوده‌اند؟ «رود مقدس بزرگ»، شبیه آنچه ما می‌گوییم «روس مقدس» نه فقط به‌خاطر روایات مقدسی که در باب آن بیان شده و از شهری به همین نام که در آن قرار داشته، مقدس شمرده می‌شده، بلکه به‌خاطر آب بسیار زیادش بوده که به‌طور دوره‌ای طغیان می‌کرده و تمام کشور را سیلاب می‌کرده است؛ اما ولگای ما هم از قدیم‌الایام نام «دایه» را دریافت کرد. «دایه- ولگا»… مردم آن را این چنین نسبت به ماهیت گردآوردندگی، جمع‌کنندگی، ازبین‌روندگی و تولد آن درک کرده‌اند. «ما متولد می‌شویم و مانند یک مکس می‌میریم، اما او، ماتوشکا همچنان جاری است». این چنین انسان فانی و کوتاه‌مدت ارتباط خود را با او مشخص می‌کند؛ مانند یک شیء ابدی و فناناپذیر، مانند یک موجود جاوید و همیشه زنده». آب ولگا به طریز پرشکوه از میان کوه‌ها و جنگل‌ها، مزارع و مرغزارها و از سواحلی که خاطره انسان‌های عالی‌قدری را به‌همراه درجریان می‌یابد. ولگا زادگاه بسیاری از نویسندگان، موسیقی‌دانان و دانشمندان روسی است که در سراسر جهان شهرت دارند و نیز زادگاه مردمی از هر نوع، مردان ثروتمند با روحیات ضعیف و مردان فقیر با دل‌های روشن.